



مدرس‌ان شریف

«مقدمه (مطالعه آزاد)»

(Introduction To Parts Of Speech)

کلمه Word

از مجموع حروف و اصوات که در فارسی آن‌ها را اصطلاحاً اعراب یا حرکات می‌نامیم، صدای ساده و معنی داری درست می‌کنیم که آن‌ها را کلمه می‌نامیم و به کمک قواعد خاصی می‌توانیم آن را ببینیم و بگوییم یعنی بخوانیم. و اگر گفته شود شکل آن حرف را بکشیم یعنی بنویسیم و به طور کلی خواندن و نوشتن مفاهیم ساده را یاد گرفتیم.

جمله Sentence

حال باید این مفاهیم ساده را با نظم خاصی در کنار هم قرار بدهیم و یک فهم مرکب به نام جمله از آن‌ها بسازیم. در فارسی به ترتیب از راست به چپ تنظیم می‌شود ولی اشکال بزرگ در این جاست که در فارسی برای جمله نظم خاصی وجود ندارد و یک جمله فارسی به صورت‌های مختلف گفته می‌شود.

فرمول ترکیب یک جمله در انگلیسی

ابتدایی‌ترین الگوی جمله در انگلیسی جمله مادر است. که ابتدا دو کلمه‌ای یا سه کلمه‌ای و غیر قابل تغییر است.

دو کلمه‌ای
فعل - فاعل
۱ - ۲

سه کلمه‌ای
مفعول - فعل - فاعل
۱ - ۲ - ۳

اینک به ترتیب به شرح هر کدام از قسمت‌های جمله می‌پردازیم:

فاعل (Subject)

شخص یا چیزی است که کاری را انجام می‌دهد و در انگلیسی در اول جمله (قبل از فعل) قرار می‌گیرد. فاعل (یا کننده کار) از نظر دستوری (گرامری) معمولاً اسم است. ولی می‌توانیم به جای آن از کلمه‌ای به نام ضمیر (Pronoun) استفاده کنیم.

فعل (Verb)

کلمه یا کلماتی هستند که بر انجام یا روی دادن کاری دلالت کنند. افعال از کلماتی مشتق می‌شوند که آن‌ها را مصدر می‌نامیم.

علامت مصدر

علامت مصدر در انگلیسی عبارت است از **To** که جلوی فعل قرار می‌گیرد. مثل:

To work	کار کردن	To take	برداشتن	To open	بردن - برداشتن
To see	دیدن	To help	کمک کردن	To speak	صحبت کردن

طرز به کار بردن مصدر

در انگلیسی کافی است علامت مصدر را حذف کنیم و به جای آن فاعل قرار دهیم. آن وقت یک جمله دو کلمه‌ای یا جمله مادر ساخته می‌شود. مثل مصدر **To see** که می‌شود:

I see	من می‌بینم	We see	ما می‌بینیم
You see	شما می‌بینید	They see	آن‌ها می‌بینند.



در زمان حال ساده به آخر افعال در سوم شخص مفرد S اضافه می‌شود یعنی:

I work	من کار می‌کنم	You come	شما می‌آید
He works	او کار می‌کند	He comes	او می‌آید

👉 **توجه:** افعالی از قبیل can به معنی توانستن، must به معنی باید، و may به معنی ممکن بودن که قبل از فعل اصلی جمله به کار می‌روند در سوم شخص مفرد S نمی‌گیرند.

I can go	من می‌توانم بروم	You must come	تو باید بیایی
He can X go	او می‌تواند برود	He must X come	او باید بیاید:
He may leave X	او ممکن است برود	He may X come	او ممکن است بیاید

تقسیم‌بندی افعال

افعال به دو دسته تقسیم می‌شوند: متعدی و لازم

فعل متعدی Transitive verb: افعالی هستند که مفعول می‌گیرند مثل:

To introduce

He introduces **me** to his parents.

My father takes **me** to school.

معرفی کردن

او مرا به والدینش معرفی می‌کند.

پدرم مرا به مدرسه می‌برد.

فعل لازم Intransitive Verb

فعلی است که مفعول نمی‌گیرد یا اگر بگیرد قبل از مفعول حتماً حرف اضافه به کار می‌رود یعنی فعل لازم مفعول با واسطه می‌گیرد.

To go

She goes to school.

She goes with her father.

رفتن

او به مدرسه می‌رود (قید مکان)

او با پدرش می‌رود.

To look

He looks at me.

I look at the picture.

نگاه کردن

او به من نگاه می‌کند.

من به عکس نگاه می‌کنم

مفعول (Object)

کسی یا چیزی است که کاری بر آن واقع می‌شود و بعد از فعل به کار می‌رود. مفعول یا اسم شخص یا غیر شخص است:

تغییرات جمله Transformation

یعنی جمله مثبت را منفی یا سوالی یا سوالی منفی کنیم و این در صورتی ممکن است که جمله یکی از افعال کمکی (Auxiliary verbs) را داشته باشد. و اگر جمله‌ای فعل کمکی (فعل معین) نداشته باشد در زمان حال ساده از **do** که برای سوم شخص مفرد S می‌گیرد و می‌شود **does** استفاده می‌کنیم.

🌟 **تذکرا:** افعال کمکی که قبل از فعل اصلی به کار می‌روند و عبارتند از:

جدول افعال کمکی

فعل کمکی	معنی فارسی	مشتقات	
can	توانستن	could	(قسمت دوم فعل)
must	باید		
may	ممکن بودن	might	(قسمت دوم فعل)
have	علامت جملات کامل	has- had	
do	به فارسی معنی نمی‌شود	does- did	
be	مشتقات BE فعل کمکی هستند	am- is- are- was- were	
will	علامت آینده	would	(قسمت دوم فعل)
shall	علامت آینده	should	(قسمت دوم فعل)

منفی کردن جمله A negative sentence

یعنی تبدیل کردن یک جمله مثبت به منفی. مثل جمله می‌توانم کار کنم که می‌شود نمی‌توانم کار کنم. یا جمله تحصیل می‌کنم که می‌شود تحصیل نمی‌کنم. در انگلیسی جملات به دو صورت منفی می‌شوند:

۱- جمله‌ای که فعل کمکی داشته باشد

اگر جمله‌ای فعل کمکی داشته باشد، کافی است کلمه **not** را بعد از فعل کمکی قرار بدهیم. یعنی **can** می‌شود **cannot**

must	do	are	does	will
must not	do not	are not	does not	will not

در جملات زیر این تغییر به خوبی مشاهده می‌شود.

I **can** help you.

من می‌توانم به شما کمک کنم.

Neg: I **cannot** help you.

من نمی‌توانم به شما کمک کنم.

They **are** at home.

آن‌ها منزل هستند.

Neg: They **are not** at home.

آن‌ها منزل نیستند.

۲- جمله‌ای که فعل کمکی نداشته باشد

اگر جمله فعل کمکی نداشته باشد، در ابتدا **Did** (در گذشته) یا **Do** (در حال ساده) اضافه می‌کنیم. (قبل از فعل اصلی جمله) و سپس کلمه **not** اضافه می‌کنیم. مثل:

They study.

آن‌ها درس می‌خوانند

I work.

من کار می‌کنم

They **do not** study

آن‌ها تحصیل نمی‌کنند

I **do not** work.

کار نمی‌کنم

We **go** to work in the morning

ما صبح سرکار می‌رویم.

We **do not** go to work in the morning

ما صبح سر کار نمی‌رویم.

سؤالی کردن جمله

در فارسی یک جمله سؤالی با کلمه **آیا** - مگر شروع می‌شود و جمله آهنگ سؤالی دارد. یعنی، شما می‌روید می‌شود **آیا** می‌روید؟ مگر او را می‌شناسید؟ مگر او شما را می‌شناسد؟ **آیا** او را دوست دارید؟

حال: برای سؤالی کردن یک جمله در انگلیسی کافی است فعل کمکی جمله را قبل از فاعل بیاوریم.

You **can** help me.

شما می‌توانید به من کمک کنید.

Can you help me?

آیا می‌توانید به من کمک کنید؟

🌟 **تذکره ۲:** مطالبی که در مبحث منفی کردن جملات گفته شدند در جملات سؤالی هم کاملاً صدق می‌کنند. یعنی اگر جمله، فعل کمکی نداشته باشد از **Do** کمک می‌گیریم و سپس سؤال می‌کنیم مثل:

You work with your father

تو با پدرت کار می‌کنی؟

Do you work with your father?

آیا با پدرت کار می‌کنی؟

She must stay home today.

او باید امروز در منزل بماند.

Must she stay home today?

آیا باید امروز در منزل بماند؟

She goes to school.

او به مدرسه می‌رود.

Does she go to school?

آیا او به مدرسه می‌رود؟

مخفف کردن افعال کمکی با Not

با اضافه کردن حرف **n** از کلمه **not** به آخر فعل کمکی و حذف حرف **o** و قرار دادن علامت (') در بالای **n** و قرار دادن حرف **t** جدا از فعل کمکی عمل مخفف کردن انجام می‌شود. مثل:

do not	cannot	must not	may not	
don't	can't	mustn't	mayn't	
will not	shall not	could not	should not	might not
won't	shan't	couldn't	shouldn't	mightn't

🌟 **تذکره ۳:** فعل کمکی **am** با کلمه **not** مخفف نمی‌شود و حتماً باید به صورت غیر مخفف به کار برود.

I **am not** a fool.

خر که نیستم.



مخفف کردن فعل کمکی و فاعل

کافی است قسمت اول فعل معین را حذف و به جای آن علامت **ی** روی ضمیر بگذاریم و قسمت دوم فعل کمکی را جدا از فاعل بنویسیم. یعنی:

I am	I will	You are	He is	He has
I'm	I'll	You're	He's	He's
I have	I had	I would		
I've	I'd	I'd		
I am hungry.		گرسنه هستیم.		
I'm hungry.				

He is well. حالش خوب است.
He's well.

سؤالی منفی کردن جمله Negative imperatives

۱- اگر جمله سؤالی منفی با مگر شروع شود، در این حالت جواب جمله مثبت است و خواهیم داشت.

DO you go with us?

آیا با ما می‌آیی؟

مثل منفی کردن هر فعل کمکی کلمه **not** بعد از **Do** قرار می‌گیرد ولی حتماً باید مخفف شود و خواهیم داشت:

Don't you go with us?

مگر با ما نمی‌آیی؟ (پس پاشو بریم)

You **can** understand.

تو می‌توانی بفهمی.

Can you understand?

آیا می‌توانی بفهمی؟

Can't you understand?

مگر نمی‌فهمی؟ مگر نمی‌توانی بفهمی؟

She **is** a cute girl.

او دختر شیرینی است.

Is she a cute girl?

آیا او دختر شیرینی است؟

Isn't she a cute girl?

او خیلی شیرین است. مگر نه؟

Do you like it?

آیا خوشت می‌آید؟

Don't you like it?

مگر خوشت نمی‌آید؟

Oh, yes, I like it a lot.

بله، البته. خیلی دوست دارم.

۲- در صورتی که جمله سؤال منفی با **آیا** شروع شود. یعنی جمله، **آیا** مرا می‌شناسید؟ می‌شود **آیا** مرا نمی‌شناسید؟ در این حالت ممکن است جواب منفی باشد.

بنابراین برای منفی کردن جمله سؤالی مثبت حتماً باید کلمه **not** را بعد از فاعل جمله سؤال مثبت قرار بدهیم. یعنی:

Do you know me?

آیا مرا می‌شناسید؟

Do you not know me?

آیا شما مرا نمی‌شناسید؟ (عجب! چرا؟)

I am your father.

من پدر تو هستم

Am I not your father?

آیا من پدر تو نیستم؟ (چطور نمی‌فهمی؟)

دقت کنید: مخفف **Am I not** می‌شود **Aren't I** مثل:

Aren't I your father?

آیا من پدر تو نیستم؟

که مفهوم پس چرا احترام نمی‌گذاری؟ پس چرا حرفم را گوش نمی‌دهد و غیره ... دارد.

Aren't I a dutiful father?

آیا من پدر وظیفه‌شناسی نیستم؟

ترا به خدا من پدر خوبی نیستم؟ آیا من پدر وظیفه‌شناسی نیستم؟

که جواب آن: بله تصدیق می‌کنم. قبول دارم که پدر خوبی هستی.

He is our driver.

او راننده ما است

Is he not our driver?

آیا او راننده ما نیست؟

By the way, **is he not** your brother?

راستی! آیا او برادر شما نیست؟

جملات امری The Imperatives

در فارسی همیشه به مخاطب یعنی دوم شخص گفته می‌شود کاری را بکنند یا نکنند ولی ملاحظه می‌کنید که در جمله ضمیر دوم شخص به کار نمی‌رود. یعنی جمله شما می‌روید می‌شود برو! و جمله شما نمی‌روید می‌شود نرو! در انگلیسی هم درست چنین است. یعنی کافی است فاعل جملات دوم شخص را حذف کنیم.

یعنی:

~~You~~ don't laugh. شما نمی‌خندید.
Don't laugh. نخند!

~~You~~ go home. شما می‌روید منزل.
Go home. برو منزل

تذکره ۴: ملاحظه کردید که فعل امر مصدری است بدون **to** و در مورد مشتقات فعل **to be** با حذف **to** مصدر فعل تبدیل به جمله امری می‌شود. مثل جملات:

You are kind to her.

با او مهربان هستید. به او محبت می‌کنید.

AFR. ~~To~~ Be kind to her!

به او محبت بکن! با او مهربان باش.

You are not late.

دیر نکرده‌اید. دیر نیامده‌اید.

NEG **Don't** be late!

دیر نیا!

AFR. **Be** a good boy!

پسر خوبی باش!

NEG. **Don't** be rude to her!

با او بی‌ادبی نکن!

جمله امر که تابع قرار می‌گیرد۱- اگر یک جمله امری مثبت داخل جمله دیگری قرار بگیرد یعنی تابع قسمت اول جمله باشد فعل امر **to** می‌گیرد.

Come in!

بیا تو! بفرمایید تو!

He tells me **to** come in!

به من می‌گوید بیا تو!

Ask him **to** come in!

از او خواهش کنید بیاید تو!

تذکره ۵: جمله امری تابع می‌تواند با لغت سؤالی شروع شود که درست مثل فارسی عمل می‌شود، یعنی:Tell him **to** go.

به او بگویند که برود. می‌شود، به او بگویند (که) برود.

Tell him **where to** go!

به او بگویند (که) کجا برود، به او بگویند که کجا برود.

Show him **how to** open the door!

به او نشان بدهید (که) چطور در را باز کند.

Why don't you tell him **what to** do?

چرا به او نمی‌گویند (که) چه کار بکند؟

۲- اگر یک جمله امری منفی تابع جمله دیگری بشود کافی است کلمه **not** قبل از **to** قرار بگیرد.

البته: تبدیل یک فعل مثبت به منفی دو حالت دارد:

(a) کلمه **not** بعد از فعل کمکی قرار می‌گیرد و آن را منفی می‌کند.Can: **Cannot**Are: **Are not**Must: **Must not****(b)** کلمه **not** قبل از مصدر قرار می‌گیرد و آن را منفی می‌کند.Go: **Not to** go. To speak: **Not to** speak. To come: **Not to** come.AFR. He tells me **to come in**.

به من می‌گوید بیا تو.

NEG. He tells me **not to come in**.

به من می‌گوید نیا تو.

AFR. Tell him **to be quiet**!

به او بگویند ساکت باشد!

NEG. Tell him **not to laugh**!**تکرار فعل امر**

اگر انجام فعل امر مفهوم بیش از یک بار را داشته باشد مثل: قرص‌ها را بخور (ترک نکن - ادامه بده)، نق نزن (دیگر بس است، دیگر ادامه نده)، طرز ساختن چنین جملات امری عبارت است از:

۱- تکرار امر مثبتفعل **keep** را قبل از فعل امر قرار می‌دهیم و به فعل امر **ing** اضافه می‌کنیم. یعنی:

Talk!

حرف بزن! صحبت کن!

keep talking!

صحبت کنید! ادامه بدهید! قطع نکنید!

Keep talking! I'm listening.

صحبت کنید! من دارم گوش می‌دهم.

۲- تکرار امر منفیاز قاعده قبل استفاده می‌کنیم با این تفاوت که به جای **keep** فعل **stop** را به کار می‌بریم. یعنی:

Don't laugh!

نخند!

Stop laughing!

نخند! بس کن! دیگر نخند!



Don't nag! I can't stand it.
Stop nagging!

نق نزن! غر نزن! حوصله‌اش را ندارم.
دیگه غر نزن! دیگه نق نزن.

قانون دو فعل

لازم است بدانیم که بین دو فعل (در برخی از افعال) to به کار می‌رود. البته به شرطی که فعل اول، فعل کمکی مثل can- may- must نباشد مثل:
I want **to** see you. با شما کار دارم. می‌خواهم شما را ببینم.
He prefers **to** talk to you. با شما کار دارد. ترجیح می‌دهد با شما صحبت کند.
I **can** ~~to~~ wait. من می‌توانم صبر کنم. می‌توانم منتظر باشم.
You **may** ~~to~~ leave. می‌توانید تشریف ببرید. بفرمایید بروید.
I **must** ~~to~~ go now. (I **must** be going now.) الان باید بروم.
دقت کنید: افعال ذیل معمولاً به صورت استمراری به کار نمی‌روند.

To understand	To know	To like	To remember
To forget	To hate	To realize	To see

تذکره: استمراری این افعال را با افعال **to get to** یا **to begin to** می‌سازیم.

یعنی:

I understand. می‌فهمم - متوجه می‌شوم
I **am beginning** to understand. کم کم دارم می‌فهمم. دارم پی می‌برم.
I know you. شما را می‌شناسم. شما را به جا می‌آورم.
I **am getting** to know you. کم کم دارم تو را می‌شناسم.
She **is getting** to like you. کم کم دارد به تو علاقه‌مند می‌شود.
I **am beginning** to see. دارم بینایی‌ام را به دست می‌آورم. چشم‌هایم دارند می‌بینند.
I **am beginning** to remember. تازه دارد یادم می‌آید.

ساخت واژه

فرا گرفتن استفاده و معنای واژگان انگلیسی آسان‌تر و حتی لذتبخش‌تر خواهد شد، اگر اطلاعاتی درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری واژگان زبان انگلیسی داشته باشید. شکل اصلی یک واژه «ریشه» آن (stem) است، عنصر اساسی که در تمامی اشکال دیگر واژه یکسان است. «پیشوند» (prefix) شکلی است که به ابتدای ریشه اضافه می‌شود، «پسونده» (suffix) شکلی است که در انتهای ریشه قرار می‌گیرد. مثال:

measure
measurable
immeasurable

معمولاً پیشوند معنی یک واژه را تغییر می‌دهد، در حالی که پسوند مقوله دستوری را تغییر می‌دهد. برای مثال، پسوند able فعل را به صفت تبدیل می‌کند (breakable, enjoyable). پیشوند im معنی واژه را متضاد می‌کند. "measurable" به معنای قابل اندازه‌گیری و "immeasurable" به معنای غیرقابل اندازه‌گیری است. در زبان انگلیسی از این روش ساخت واژه بسیار استفاده می‌شود. به واژگان متعددی که می‌دانید از ریشه "act" ساخته شده، توجه کنید:

Prefix + act	act + suffix	Prefix + act + suffix
react	action	reaction
enact	active	enactment
reenact	actively	reenactment
interact	actionless	reactor
transact	actable	reactive
	activity	reactivate
	activate	reactivation
	activation	interaction
	actor	transaction
	actress	inactive
		inaction

با فرا گرفتن تنها چند پیشوند و پسوند، می‌توانید معنای صدها واژه انگلیسی را تشخیص دهید یا حدس بزنید.

تمرین‌های ساخت واژه

در جدول زیر برخی از متداول‌ترین پیشوندها به ترتیب حروف الفبا فهرست شده‌اند. معنای هر پیشوند با عنوان «حوزه‌ی معنایی» داده شده است.

Prefix	Area of meaning	Examples
ante-	before	antecedent, antedate, ante-room
anti-	against, opposite	antibiotic, antibody, antipathy
auto-	self	automatic, automobile
bi-	two, twice	bicycle, bikini, bilingual
circum-	around	circumnavigate, circumstance
con-, co-, col-, com-	with, together	connect, contract, conversation, cooperate, collect, colloquial, combat, combination
de-	down, reversing	debility, decay, decentralize, decrease
ex-, e-	out, from	eject, emotion, exit, explicit
in-	in	include, inclose, inside
inter-	between, among	international, intermediate, interrupt
macro-	large	macrocosm, macroeconomics
micro-	small	microcomputer, micron, microscope
mis-	wrong, unfavorable	misinterpret, misjudge, mistake, misunderstand
mono-	one, alone	monochrome, monogamy, monolingual
post-	behind, after	postdate, postgraduate, postwar
pre-, prim-	first	precede, predict, premature, primary, primitive
pro-	for, before	proceed, project, promotion
re-	again	recall, relay, reopen, retake
sub-, sup-	under	subordinate, subnormal, subway, support, suppose
trans-	across	transfer, transmission, transport
tri-	three	triangle, triple, tripod
uni-	one	uniform, unique, unity
un-, ir-, in-	not	unimportant, untidy, irregular, irrelevant, incorrect, independent
ultra-	beyond, excessive	ultramodern, ultrasonic

در جدول زیر برخی از متداول‌ترین پسوندها به ترتیب حروف الفبا فهرست شده‌اند. معنای هر پسوند با عنوان حوزه‌ی معنایی داده شده است.

Suffix	Area of meaning	Examples
-able -ible	capable of, subject to, prone to; worthy of, deserving of	impeccable, incorrigible, irrefutable, mutable, feasible, affable, gullible, laudable, reprehensible, culpable
-ac	relating to; person affected with	ammoniac, celiac, maniac, cardiac, hypochondriac
-age	relationship; condition; action or result; place	parentage, bondage, carnage, anchorage
-al	of, pertaining to; the act of	logical, ephemeral, equivocal, glacial, peripheral, polemical, prodigal, provincial, rhetorical, satirical, superficial, terrestrial, whimsical, denial, rehearsal
-an -ian	belonging to, related to, characteristic of, resembling, one that is	Canadian, Freudian, reptilian, civilian, antediluvian, subterranean, authoritarian, partisan, artisan
-ance -ence	action or process; state of being	emergence, dependence, arrogance, compliance, vigilance, exuberance, impudence, nonchalance, opulence, quiescence, reticence
-ant -ent	causing or performing something; state of being; one who does or undergoes	document, flagrant, ardent, benevolent, indifferent, inherent, munificent, strident, virulent, contestant, pedant
-ar -ary	relating to; connected to	solar, polar, jocular, arbitrary, exemplary, mercenary, centenary
-ate	act upon; having; characterized by	obliterate, mitigate, deprecate, emulate, debilitate, extricate, facilitate, instigate, perpetuate, truncate; placate; intimidate, repudiate, ornate, innate, articulate
-cy	state of being; quality	ascendancy, bankruptcy, lunacy, dependency, complacency
-dom	domain; rank; state of being; collective office	fiefdom, boredom, martyrdom, officialdom



Suffix	Area of meaning	Examples
-eer -er -or	person who does something	auctioneer, engineer, contender, director, executor, orator
-ery	a place for; the act of; state of; qualities of	bakery, bribery, chicanery, slavery, snobbery
-escent	becoming; beginning to be; characterized by	crescent, nascent, evanescent, phosphorescent
-ferous	producing; carrying	coniferous, vociferous, aquiferous, calciferous, carboniferous
-fic	making; causing	terrific, horrific, beatific, prolific, soporific, benefic, malefic
-(i)fy	make; cause to become	falsify, magnify, exemplify, ratify, rectify, personify, purify, mortify
-ia	abnormal condition; relating to	anorexia, toxemia, septicemia, memorabilia, personalia
-ial	relating to; characterized by	colloquial, glacial, terrestrial, inconsequential, superficial, cordial
-ic	having to do with; one characterized by	cosmic, hedonistic, caustic, aesthetic, altruistic, archaic, ascetic, bombastic, cryptic, dogmatic, eclectic, ironic, soporific, sporadic, lunatic, heretic
-ide	group of related chemical compounds; binary compound; chemical element with properties that are similar to another	diglyceride, monosaccharide, sodium chloride, potassium bromide, boride
-il -ile	pertaining to; capable of being	puerile, ductile, infantile, senile, servile, tensile, versatile
-ine	having the nature of; relating to; resembling; made of; chemical substance	divine, feline, marine, leonine, saturnine, opaline, crystalline, tourmaline, incarnadine, gasoline
-ion -tion -ation	state or condition; the result of	criterion, oblivion, limitation, adulation, affirmation, apprehension, aversion, conviction, degradation, disinclination, innovation, sanction, seclusion
-ise -ize	make; become like	surmise, maximize, scrutinize, vaporize, hypothesize, cauterize
-ism	belief; doctrine; devotion to; act of	ethnocentrism, egotism, fanaticism, criticism, witticism
-ist	one who does something; one who believes or adheres to; an expert	opportunist, cartoonist, ventriloquist, altruist, pacifist, nihilist, prohibitionist, linguist, geologist, psychiatrist, scientist
-ite	make, do; inhabitant or native of; descendant of; adherent of	ignite, Israelite, Luddite
-itis	inflammatory disease	dermatitis, phlebitis, appendicitis, tendonitis, osteoarthritis
-ity -ty	state of; quality	animosity, paucity, reality, uniformity, similarity, enmity, duplicity, insularity, notoriety, novelty, integrity, virility, tenacity, veracity
-ive	tending toward an action; belonging, quality of	argumentative, introspective, collective, comprehensive, derivative, elusive, exhaustive, furtive, inclusive
-let	small one; small object worn on the body	eaglet, islet, piglet, ringlet, amulet, rivulet, pamphlet
-logy -ology	expression; theory; science or study of,	eulogy, phraseology, ideology, geology
-ly	like; to the extent of, recurring at specified intervals; in a specified way	miserly; daily, slowly
-ment	an act; state; means	entertainment, admonishment, abatement, detachment, instrument
-oid	resembling; relating to	android, humanoid, planetoid, asteroid, spheroid, paranoid
-or	a person or thing that does something; a quality or condition	inspector, progenitor, incisor
-ory	relating to; characterized by; a place used for	obligatory, conciliatory, cursory, observatory
-ose	full of; characterized by; a form of sugar	verbose, lachrymose, jocose, sucrose, dextrose
-osis	condition; disease	apotheosis, metamorphosis, morphosis, apoptosis, neurosis, psychosis
-ous	full of, characterized by	assiduous, autonomous, capricious, contentious, erroneous, fastidious, gregarious, ingenious, innocuous, nefarious, pretentious, querulous, raucous, scrupulous
-tude	state of	magnitude, solitude, solitude, verisimilitude, lassitude, pulchritude, turpitude

تغییر مقوله دستوری

در تمرین‌های پیشین تعدادی از متداول‌ترین پسوندهای زبان انگلیسی را فراگرفتید. پسوند واژه را از یک نوع دستوری به نوعی دیگر تغییر می‌دهد. اغلب اوقات می‌توانید مقوله‌ی دستوری را از شکل واژه در مقایسه با اشکال دیگر واژه، تشخیص دهید. برای نمونه imagine (فعل)، imagination (اسم) imaginative (صفت) و imaginatively (قید). برای شناسایی این مقولات دستوری نیازی به دانستن معنای واژگان نیست. در جمله‌ی بی‌معنای Tashim vipped prodoption bortly مطمئن هستیم که هر واژه چه نوعی از مقوله دستوری است. ما این‌ها را به این دلیل که اسامی، نام اشخاص، مکان‌ها یا اشیا هستند و یا چون فعل، انجام یک عمل و داشتن حالتی را بیان می‌کند، نمی‌دانیم؛ در حقیقت ما چیزی درباره‌ی معنا نمی‌دانیم بلکه ما با دانستن خصوصیات شکل‌های -ism و -tion که اسم سازند و -ed که به انتهای فعل اضافه می‌شود و -ly که در انتهای قید و یا صفت ظاهر می‌شود، می‌توانیم این مقوله‌های دستوری را شناسایی کنیم.

با فراگرفتن برخی از این پسوندهای رایج و این که چگونه مقوله‌ی دستوری را به مقوله‌ی دیگر تبدیل می‌کنند، می‌توانید دامنه‌ی واژه‌گانتان را گسترش دهید.

ریشه‌های واژه

پیشوندها و پسوندها به ریشه‌های واژه اضافه می‌شود. برخی اوقات یک ریشه‌ی واژه به تنهایی نیز به کار می‌رود، مانند واژه‌ی "act" یا "form". بیشتر اوقات ریشه واژه در ترکیب با یک پیشوند یا پسوند به کار می‌رود. برای مثال: ریشه‌ی "dict" به معنای «گفتن یا صحبت کردن» است، اما هیچگاه به تنهایی به کار نمی‌رود. پیشوندها را قبل از ریشه کار می‌بریم (predict, contradict) و یا پسوندها به انتهای ریشه افزوده می‌شوند (diction, dictator). بیشتر ریشه‌های واژه در زبان انگلیسی از زبان‌های لاتین و یونانی مشتق می‌شوند. اگر متداول‌ترینشان را بیاموزید، قادر به تجزیه و تحلیل معنای بسیاری از واژگان بدون رجوع به واژه‌نامه‌تان خواهید بود.

در این قسمت به برخی پسوندهای متداول که صفت را به اسم تبدیل می‌کنند، اشاره شده است.

-ness	kind quiet happy	kindness quietness happiness	pleasant useful sleepy	pleasantness usefulness sleepiness
-ity	active curious stupid	activity curiosity stupidity	real mobile tranquil	reality mobility tranquility
-ism	ideal colonial human	idealism colonialism humanism	imperial conservative favorite	imperialism conservatism favoritism

در این قسمت به برخی پسوندهای متداول که اسم را به صفت تبدیل می‌کنند، اشاره شده است.

-ish	fool child	foolish childish	self sheep	selfish sheepish
-y	cloud wealth fun	cloudy wealthy funny	dirt guilt mess	dirty guilty messy
-ly	friend cost month	friendly costly monthly	order man time	orderly manly timely
-al	person universe cause	personal universal casual	accident region brute	accidental regional brutal
-ous	danger mystery fame	dangerous mysterious famous	nerve poison victory	nervous poisonous victorious
-ary	moment custom fragment	momentary customary fragmentary	compliment revolution honor	complimentary revolutionary honorary
-like	life child	lifelike childlike	lady war	ladylike warlike
-ic	history artist athlete	historic artistic athletic	photograph rhythm base	photographic rhythmic basic
-less	power home age	powerless homeless ageless	use fault worth	useless faultless worthless
-ful	power skill faith	powerful skillful faithful	delight success beauty	delightful successful beautiful



در این قسمت به برخی پسوندهای متداول که فعل را به صفت تبدیل می‌کند اشاره شده است.

-ive	create attract select	creative attractive selective	possess instruct prevent	possessive instructive preventive
-ent -ant	excel confine urge	excellent confident urgent	please depend	pleasant dependent
-able -ible	pay agree remark	payable agreeable remarkable	perish force sense	perishable forcible sensible

در این قسمت به متداول‌ترین پسوندی که صفت را به قید تبدیل می‌کند، اشاره شده است.

-ly	noisy private recent easy	noisily privately recently easily	social confident final doubtful	socially confidently finally doubtfully
-----	------------------------------------	--	--	--

در این قسمت به متداول‌ترین پسوندی که اسم و صفت را به فعل تبدیل می‌کند، اشاره شده است.

-ize	real author familiar legal final	realize authorize familiarize legalize finalize	civil immortal organ critic computer	civilize immortalize organize criticize computerize
------	--	---	--	---

تمرین‌های شکل‌های واژگان

خلاصه‌ای از اشکال واژگان در جدول زیر آورده شده است.

Noun	Verb	Adjective	Adverb
imagination	imagine	imaginative	imaginatively
completion	complete	complete	completely
convincement	convince	convincing	convincingly
excellence	excel	excellent	excellently
satisfaction	satisfy	satisfactory	satisfactorily
excess	exceed	exceeding	exceedingly
repetition	repeat	repeated	repeatedly
consideration	consider	considerate	considerately
success	succeed	successful	successfully
comparison	compare	comparative	comparatively
separation	separate	separate	separately
persuasion	persuade	persuasive	persuasively
decision	decide	decisive	decisively